



## بررسی و تحلیل مفاد کنوانسیون منع هر گونه تبعیض علیه زنان، ۱۹۷۹ سازمان ملل متحد

پیمان نامیانی\*

سبحان طیبی\*\*

### چکیده

به دلیل محرومیت زنان از پاره ای از حقوق فردی و اجتماعی، موضوع «حقوق و شخصیت زن» یکی از مباحث اساسی بوده که در دهه های اخیر به طور خاص و جدی مورد توجه اندیشمندان و متفکران جوامع علمی و فرهنگی قرار گرفته است. قبل از این نیز در اروپای بعد از رنسانس به موازات دیگر تحولات، در زمینه های مسائل زنان که از هرگونه مزایای حیثیتی و مالی محروم بودند، کم کم دغدغه هایی ایجاد شد و به حمایت از حقوق زنان و به رسمیت شناختن آنان در محافل جمعی، و استرداد حقوق مالی و غیر مالی آنان نظریاتی عرضه شد و به تدریج دفاعیاتی صورت پذیرفت که زمینه را برای ایجاد یک سلسله معاهدات بین المللی فراهم می ساخت. این تحولات همه به سود زنان نبود، از بعضی مشکلات کاست و بر بعضی دیگر افزود اما موجب گردید که دولت ها در شیوه های قانونگذاری درباره زنان تجدید نظر کنند یا معاهداتی را در عرصه ی بین المللی بپذیرا شوند.

سازمان ملل متحد برای حمایت از زنان، تاکنون معاهداتی را در دستور کار خود قرار داده و سبب تصویب آنها گردیده است. اولین سندی که سازمان ملل در این زمینه تدوین نمود کنوانسیون حقوق سیاسی زنان در ۲۰ دسامبر ۱۹۵۲ بود. نهایتاً در سال ۱۹۷۹ «کنوانسیون منع هر گونه تبعیض علیه زنان» توسط مجمع عمومی سازمان ملل تصویب و در سال ۱۹۸۱ لازم الاجرا شد. ماهیت اصلی این عهدنامه، تساوی و همانندی زن و مرد از جمیع جهات بدون لحاظ کردن هر گونه استثناء و محدودیت بر اساس جنسیت است.

**کلید واژه ها:** حقوق بین الملل، حق شرط، حقوق زن، کنوانسیون ۱۹۷۹، تبعیض

علیه زنان.

\* دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی و عضو انجمن ایرانی حقوق جزا (نویسنده عهده دار مکاتبات - تلفن: ۰۲۰-۴۲۲۰۸۳۱).

\*\* دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بین الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات فارس.

## ۱- مقدمه

توسعه‌ی هر کشور با مشارکت زنان در حیات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آن کشور ارتباط تنگاتنگ دارد. در همین راستا کنوانسیون ۱۹۷۹ رفع هر گونه تبعیض در مورد زنان، جدیدترین تلاش‌های حقوق بین‌الملل برای توسعه‌ی حقوق زنان در جهان بوده است. همانطور که در ترکیب کمیته رفع تبعیض نسبت به زنان، نمایندگی شکل‌های مختلف تمدن و نظام‌های حقوقی جهان پیش‌بینی گردیده، تبعیض ریشه در فرهنگ، آداب و رسوم جوامع دارد و مسلماً، یکی از شاخص‌های هر تمدن را باید در دیدگاه آن تمدن نسبت به وضعیت زنان به شمار آورد.

## ۲- فلسفه پیدایش و تاریخچه کنوانسیون ۱۹۷۹

کنوانسیون منع هر گونه تبعیض علیه زنان<sup>۱</sup> مصوب ۲۷ آذر ۱۳۵۸ (۱۸ دسامبر ۱۹۷۹) مجمع عمومی سازمان ملل، حاصل دو قرن مبارزه و فعالیت خستگی ناپذیر جنبش زنان اروپا و آمریکا در دفاع از حقوق انسانی زنان می‌باشد. این جنبش از اوایل قرن نوزدهم و با شعار «تساوی زن و مرد در همه شئون» در اعتراض به مرد سالاری حاکم بر اعلامیه حقوق بشر فرانسه به وجود آمد. این اعلامیه با بی‌اعتنایی آشکار به حقوق زنان، هیچ گونه حقی برای آنان در نظر نگرفته بود، در نتیجه گروهی از زنان در مخالفت با این نابرابری، دست به اعتراض زده و خواهان حقوق برابر با مردان شدند. این حرکت بعدها توسط کنفرانس ریاضی‌دان و فیلسوف فرانسوی ادامه یافت و به تشکیل مکتب طرفداران زن انجامید. این مکتب در دفاع از حقوق زنان بر سه نکته اساسی تأکید داشت:

۱- زن، انسانی بالغ و کامل است و در برابر مرد به ویژه در زندگی زناشویی

از استقلال، اختیار و حقوق انسانی برخوردار است؛

۲- زن از نظر فکری، انسانی آزاد و مستقل است؛

1 - United Nations Convention on Elimination of All Forms of Discrimination Against Women (CEDAW).

۳- زنان باید در مسائل سیاسی شرکت کنند و از حقوق مساوی با مردان برخوردار باشند.

در همان سال‌ها جنبش دفاع از زنان در آمریکا از تحرک خوبی برخوردار بود ولی به رغم همه این تلاشها، رژیم‌های مختلف غربی تا اوایل قرن بیستم در یک حرکت هماهنگ و مشترک به حقوق زنان بی‌اعتنایی می‌کردند. پس از جنگ جهانی دوم، سازمان بین‌الملل که خسته از خوی خشن مردانه به دنبال صلح و صفا در سایه دوستی ملت‌ها بود، عرصه‌ای را برای حضور سیاسی و اجتماعی زنان فراهم آورد. سال‌های ۱۹۴۵ به بعد سال‌های گسترش نظریه برابری زن و مرد در جهان است به گونه‌ای که اعلامیه‌ها و معاهدات زیادی در دفاع از حقوق زنان تصویب شد. اما با این وجود، طرفداران تساوی کامل حقوق زن و مرد، این اسناد و معاهدات بین‌المللی را برای دفاع از حقوق انسانی زنان کافی ندانستند. از این رو مجمع عمومی سازمان ملل متحد برای تضمین رعایت حقوق زنان و دستیابی به ابزار قوی‌تر، مقررات روشن‌تر و سندهای تعهد آورتر و محکم‌تر، در ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹ طرح مذکور را به تصویب رساند (هاجری، ۱۳۸۰: ۷۸-۴۱). به این صورت که در سال ۱۹۷۲ دبیر کل سازمان متحد از «کمیسیون مقام زن»<sup>۲</sup> خواست تا نظر دولت‌های عضو را نسبت به شکل و محتوای یک سند بین‌المللی در زمینه حقوق زنان جویا شود. سال بعد یک گروه کاری از سوی شورای اقتصادی اجتماعی جهت بررسی تنظیم چنین کنوانسیونی تعیین شد. در سال ۱۹۷۴ کمیسیون مقام زن تنظیم پیش‌نویس کنوانسیون حذف تبعیض علیه زنان را آغاز نمود. کنفرانس جهانی سال بین‌المللی زن که در ۱۹۷۵ منعقد شد، کمیسیون را در انجام این کار تشویق کرد. کنفرانس یک برنامه کاری را تحت عنوان «کنوانسیون حذف تبعیض علیه زنان، با روش‌های موثر برای اجرای آن» تصویب نمود. به هر حال کمیسیون مقام زن کار تنظیم کنوانسیون را دنبال نموده و در سال ۱۹۷۷ پیش‌نویس تهیه شده را به مجمع عمومی سازمان ملل تقدیم کرد. مجمع عمومی گروه کاری

۲- این کمیسیون یکی از کمیسیون‌های شورای اقتصادی - اجتماعی سازمان ملل متحد است که در سال ۱۹۴۶ ایجاد شد و به موجب اساسنامه آن، تهیه توصیه‌نامه‌ها و گزارش به شورای مزبور، درباره مسائل مربوط به زنان و حقوق سیاسی و مدنی، اقتصادی و اجتماعی جزء وظایف این کمیسیون می‌باشد.

ویژه‌ای را جهت تنظیم نهایی کنوانسیون، مأمور نمود. و سرانجام همانطور که گفتیم، در ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹ طرح مزبور با عنوان «کنوانسیون رفع هر نوع تبعیض علیه زنان» از تصویب مجمع عمومی سازمان ملل گذشت.

بدین ترتیب، کنوانسیون رفع تبعیض، رسمی‌ترین سند بین المللی در دفاع از حقوق زنان و آخرین سندی است که از سوی افکار عمومی جهان برای رهایی زنان از تبعیض و نابرابری تجویز شده است. هدف از شرح این سابقه تاریخی، توجه دادن به این موضوع است که تلاش‌های دست‌اندرکاران تهیه و تصویب این کنوانسیون، نسبتاً کامل ابعاد تساوی زنان با مردان و تأمین راه‌های مطمئنی برای اجرای آنها از سوی دولت‌هاست و از همین روست که به عناوین و تدابیر مختلفی سعی شده راه‌گزین دولت‌های عضو از اجرای مفاد آن بسته شد. کنوانسیون مشتمل بر یک مقدمه نسبتاً مشروح و ۳۰ ماده است که در شش بخش تنظیم گردیده است. طبق ماده ۲۵، کنوانسیون برای امضاء و الحاق همه دولت‌ها<sup>۲</sup> مفتوح است و اسناد تصویب و الحاق دولت‌ها به کنوانسیون باید به دبیر کل سازمان ملل تسلیم گردد. بر اساس ماده ۲۷، سی روز پس از تودیع بیستمین سند الحاق یا تصویب کنوانسیون نزد دبیر کل لازم الاجرا می‌شود. برای دولت‌هایی که پس از بیستمین سند به کنوانسیون ملحق می‌شوند، بعد از گذشتن سی روز از تاریخ تسلیم سند الحاق، کنوانسیون برای آنها لازم الاجرا می‌گردد. چنان که متذکر شدیم کنوانسیون در تاریخ ۳ سپتامبر ۱۹۸۱ طبق ضوابط مقرر در ماده ۲۷ لازم الاجرا شده است (A Compilation of International Instruments, pp. 112-127).

### ۳- برنامه و سیاست محوری کنوانسیون در دفاع از حقوق زنان

وضع ناعادلانه و اسف بار زنان در همه جوامع در تاریخ و اجحافات مختلفی که بر علیه آنان روا شده، نقطه شروع کنوانسیون رفع تبعیض است. کنوانسیون برای خروج از این بحران و دستیابی جامعه جهانی زنان به امنیت و دفاع در سایه عزت و

۲- برای اطلاع از آخرین آمار منتشره از سوی سازمان ملل متحد درباره کشورهای عضو کنوانسیون به آدرس اینترنتی [http://www.UN.org/women\\_watch](http://www.UN.org/women_watch) رجوع کنید.

کرامت انسانی، برنامه و شعار محوری خود را برابری و تساوی زنان و مردان در همه شئون معرفی می‌کند.

نظریه «تساوی و برابری زنان و مردان در همه شئون» قاعداً بر پذیرش یکی از دو گزاره ذیل مبتنی است:

۱- زنان و مردان هیچ تفاوت زیستی و جنسیتی با هم ندارند. به بیان دیگر تفاوت‌های جسمانی موجود میان زن و مرد منشأ زیستی و طبیعی ندارد، بلکه معلول جبر زمانه است که در طول تاریخ توسط مردان علیه زنان اعمال شده است. در میان گونه‌های مختلف فمینیسم، شماری اندک از فمینیست‌های رادیکال و افراطی جسارت طرح چنین دیدگاهی را داشته‌اند.

۲- اما شعار تساوی و برابری زن و مرد در همه شئون را بر پایه‌ی گزاره‌ی دیگری نیز می‌تواند بنا کرد و آن گزاره اینکه «تفاوت‌های زیستی و طبیعی موجود است ولی این تفاوت‌ها موجب تفاوت حقوق و قوانین نیست». به بیان دیگر تفاوت‌های زیستی و طبیعی میان زن و مرد، نباید بهانه‌ای برای تشریح و تضمین نابرابری شود. تصدیق تفاوت‌های فیزیولوژیک میان زن و مرد از یک سو و تأکید بر لزوم نادیده انگاری این تفاوت‌ها در وضع قوانین و حقوق از سوی دیگر، از مولفه‌های محوری و مورد پذیرش فمینیست‌های متعادل و فرامدرن است. آنها معتقدند که زن نیازمند خانواده، همسر و فرزند است. لیکن تشابه حقوق زن و مرد در خانواده و جامعه را ترویج کرده، اصرار می‌ورزند که زنان و مردان گرچه متفاوت هستند، اما باید با هم مساوی باشند. تحت تأثیر این جریان معتدل فمینیستی، کنوانسیون رفع تبعیض در اواخر دهه ۷۰ «شعار تساوی و برابری حقوق زن و مرد به رغم تفاوت‌های زیستی» را در دستور کار خود قرار داد (هاجری، ۱۳۷۹: ۱۲۰-۱۲۰).

#### ۴- کنوانسیون ۱۹۷۹ از دیدگاه حقوق بین الملل

معاهدات یکی از منابع حقوق بین الملل هستند که می‌توانند جهت وضع قاعده در حقوق بین الملل به کار گرفته شوند، اما بر خلاف حقوق داخلی که اقدامات مربوط به قانونگذاری، به طور یکنواخت و یک شکل نسبت همه اعمال می‌شود، حقوق بین الملل

به کشور یا کشورها اجازه می‌دهد تا در حالی که از اجرای پاره‌ای مقررات آن امتناع می‌کنند جزء متعاهدین معاهده گردند (Wallace, 1986:280). روشی که از طریق آن هر دولت دامنه مقررات یک معاهده را محدود می‌نماید، استفاده از «حق شرط»<sup>۴</sup> است. بدین ترتیب هر دولتی می‌تواند حین انجام تشریفات مربوط به انعقاد یک معاهده حوزه عمل مقررات آن را تعدیل نماید (کلیبار، ۱۳۶۸: ۴۶۲). در حقوق بین الملل تعاریف مختلفی از حق شرط شده است شوازنبرگ حق شرط را به عنوان یکی از راههای حفظ آزادی عمل یک تابع حقوق بین الملل عام شناخته است (Schwazzenbeger; 1957:548). بنا به تعریف شارل روسو حق شرط عبارت است از اینکه یکی از کشورهای متعاهد اعلام کند که می‌خواهد بعضی مقررات معاهده را تغییر دهد یا به کلی نپذیرد یا آن را به معنای مشخص و معینی تلقی نماید، به عبارت دیگر، حق شرط عبارت از تصریح قید یا قیودی است که بعضی از مقررات معاهده را نقض نماید. به طور کلی «حق شرط» روشی است که به وسیله یکی از کشورهای طرف عقد معاهده را نقض نماید. به طور کلی «حق شرط» روشی است که به وسیله یکی از کشورهای طرف عقد معاهده در زمان امضاء، تصویب یا الحاق به معاهده وضعی را اعلام کند که به وسیله آن اثر معاهده را بین خود و دیگر طرفین معاهده تعدیل نموده و قبول بعضی از مقررات عهدنامه را کلاً یا بعضاً محدود یا رد نماید. «حق شرط» معمولاً در معاهدات چند جانبه اعمال می‌شود. در معاهدات دو جانبه وارد نمودن شرط «ایجاب متقابلی»<sup>۵</sup> است که طرف اعلام کننده شرط به طرف دیگر ارائه می‌دهد. که ممکن است مورد قبول طرف دیگر واقع شود و یا ممکن است به از سرگیری مذاکرات و اصلاح احتمالی عهدنامه منجر شود، بر عکس معاهدات دو جانبه استفاده از روش حق شرط در معاهدات چند جانبه عامل موثری در جهت افزایش تعداد طرفین معاهده می‌شود. حق شرط عمل حقوقی یک جانبه‌ای است که اگر تا همان حد مورد قبول کشور دیگر واقع شود، سرشت حقوقی آن تغییر کرده به عمل حقوقی چند جانبه مبدل می‌گردد. مطابق بند ۱ ماده ۲ کنوانسیون وین ۱۹۶۹، حق شرط عبارت است از یک بیانیه‌ای یک جانبه که کشوری تحت هر عنوان یا به هر شکل

4 -Reservation.

5 -Mutual offer.



هنگام امضاء، تصویب، قبول، موافقت، یا الحاق، نسبت به یک معاهده صادر می‌کند و به وسیله آن خود را در خصوص عدم شمول یا تعدیل آثار بعضی از مفاد معاهده بیان می‌دارد (داور، ۱۳۷۵: ۱۲۵).<sup>۶</sup>

#### ۴-۱- نظام حق شرط به موجب کنوانسیون ۱۹۶۹ و تطبیق آن با کنوانسیون ۱۹۷۹

سیستم حق شرط که در ماده ۱۹ کنوانسیون وین پیش بینی شده است، مبتنی بر اصل انعطاف پذیری، نسبت به قبول استفاده از حق شرط می‌باشد. قبل از پیدایش این سیستم برای ایجاد معاهدات همچون قراردادهای در حقوق خصوصی نیاز به رضایت کامل طرفین آن بود و چنانچه یکی از کشورها حق شرطی به معاهده اعلام می‌نمود، در صورتی می‌توانست عضو معاهده تلقی شود که حق شرط آن کشور مورد قبول کلیه کشورهای متعاقد دیگر قرار می‌گرفت، در غیر این صورت کشوری که برای پیوستن به عهدنامه شرطی را اعلام کرده بود، نمی‌توانست به عهدنامه ملحق شود. این روش تحت عنوان «قاعده قبول بالاتفاق حق شرط»<sup>۷</sup> نامیده می‌شد، اما به دلیل عوامل متعددی از جمله افزایش طرفین معاهدت و گسترش و تنوع موضوعات مندرج در معاهدات به گونه‌ای که اعضای جامعه بین الملل بیش از پیش نیازمند تنظیم روابط خود از طریق انعقاد معاهدات الزام آور بوده و حقوق حاکم بر این معاهدات نیز می‌بایست از انعطاف بیشتری در زمینه جلب مشارکت هر چه گسترده‌تر کشورهای درمعاهدات چند جانبه و عام بین‌المللی برخوردار باشند، در این حالت آنچه که مورد نیاز است وجود روشی است که اگر درستی معاهده را کاملاً رد ننموده و متقاضی عضویت در معاهده است اما خواهان مستثنی نمودن تعهدات پاره‌ای از مقررات عهدنامه است تا بتواند عضو معاهده شود. (Walace, 1986:200).

۶- برای مطالعه بیشتر در مورد «حق شرط» ر.ک. به هدایت ا... فلسفی، حقوق بین الملل معاهدات، ۱۳۷۹: صص ۲۳۸

ضرورت وجود یک «سیستم منعطف»<sup>۸</sup> به جای «قاعده قبول بالاتفاق» در قضیه «کنوانسیون ژنوسید»<sup>۹</sup> مورد توجه قرار گرفت. در رابطه با رویه مربوط به توسل به حق شرط و قابلیت قبول آن در معاهدات چند جانبه دو نظریه وجود داشت که موجب تغییر و تکامل سیستم استفاده از حق شرط گردید. اول نظریه کشورهای غربی که از مفهوم تمامیت مطلق و تجزیه ناپذیری معاهده به همان گونه که تصویب شده است، دنبال می‌شد. بطور اخص، اگر یک طرف معاهده، به شرط وارد شده توسط عضو دیگر اعتراض می‌کرد، دولت اعلام کننده شرط نمی‌توانست به عنوان معاهده در نظر گرفته شود. نظریه دیگر از طرف اعضاء اتحاد پان آمریکن<sup>۱۰</sup> مطرح می‌شد. این اتحاد از ۱۹۲۸ از یک نظریه بسیار منعطف تر پیروی می‌کرد که تحت عنوان «عمومیت معاهده»<sup>۱۱</sup> به دولت وارد کننده شرط اجازه می‌داد در رابطه با دولت‌های قبول کننده شرط طرف معاهده محسوب شود (داور، ۱۳۷۵: ۱۲۷). نظریه دیگر از طرف اتحاد جماهیر شوروی سابق و کشورهای بلوک شرق مطرح شد که مطابق آن کشورها در تنظیم شرط از آزادی مطلق برخوردارند. در واقع در آن زمان شروط اتحاد بلوک شوروی در خصوص «کنوانسیون ژنوسید» منجر به درخواست نظر مشورتی از دیوان بین المللی دادگستری شد. (International Law Dictionary, 265).

دیوان در مقابل این سوال که اگر شرط اعلام شده از سوی کشوری مورد مخالفت یک یا چند عضو و نه همه اعضاء کنوانسیون واقع شود و کشور شرط گذار شرطش را حفظ کند آیا این کشور می‌تواند عضو کنوانسیون تلقی شود، پاسخ می‌دهد: کشوری که شرطی را به کنوانسیون اعلام کرده است و این شرط مورد اعتراض یک یا چند عضو کنوانسیون و نه همه اعضاء واقع شده و این کشور شرط خود را حفظ نموده است و شرط مزبور با موضوع و هدف کنوانسیون سازگار باشد، می‌تواند

8 - Flexible system.

۹- جهت کسب اطلاعات بیشتر در زمینه کنوانسیون ژنوسید "Genocide Convention" ر.ک. پیمان نمامیان، «مسئولیت دولت‌ها در قبال ارتکاب جنایات بین المللی»، روزنامه اطلاعات، ۲۹ و ۳۰ و ۳۱ خردادماه ۱۳۸۴.

10 - Union of Pan American.

11 - Generality of a treaty.





عضو کنوانسیون تلقی شود. بنابراین برای اولین بار «مطابقت شرط با موضوع و هدف معاهده» توسط دیوان مطرح شد. (ICJ Report, 1951: 15-69).

دیوان در مورد این سوال که آثار حق شرط بین کشور شرط گذار و اعضاء معترض و قبول کننده حق شرط چه خواهد بود پاسخ می‌دهد. هر کشوری می‌تواند خود اعتبار «حق شرط» اعلام شده به کنوانسیون را با توجه به معیار «سازگار هدف با موضوع معاهده» مورد ارزیابی قرار داده و بر حسب مورد، «حق شرط» را قبول و کشور شرط گذار را عضو کنوانسیون تلقی و یا «حق شرط» را مورد اعتراض قرار داده و از شناسایی کشور شرط گذار به عنوان عضو کنوانسیون خودداری کند که در حالت اخیر، تصمیم کشور مزبور صرفاً بر روابط این کشور با کشور شرط گذار موثر است.

کنوانسیون ۱۹۶۹ نیز از نظر مشورتی از دیوان پیروی کرده است. مطابق ماده ۱۹ کنوانسیون مذکور (معاهدات) یک کشور هنگام امضاء، تصویب، موافقت یا ملحق شدن به یک معاهده می‌توانند امتناع خود را نسبت به پاره‌ای از مفاد آن تنظیم کند، مگر در صورتی که معاهده «حق شرط» را ممنوع یا فقط در موارد خاص و تصریح شده آن را مجاز دانسته باشد. در مواردی شامل مراتب فوق نمی‌شود که «حق شرط» با هدف و منظور معاهده مغایرت داشته باشد، همچنین بر طبق ماده ۲۰ کنوانسیون معاهدات «مخالفت با حق شرط» به وسیله یک کشور دیگر منعقدکننده معاهده، مانع اجرای بین کشور مخالف و کشور شرط گذار نمی‌شود. «حق شرط» از طرف یک کشور، قبول شده محسوب می‌شود، هر گاه آن کشور مخالفتی نسبت به حق شرط در پایان دوره دوازده ماه، پس از تاریخ اطلاع یافتن از حق شرط یا پس از تاریخ اعلام قبولی خود برای التزام نسبت به معاهده، ابراز نکند. دوره ۱۲ ماهه مهلت قانونی برای اعتراض است که در فاصله این مهلت، کشورها حق اعتراض نسبت به معاهده دارند و در صورت عدم ابراز اعتراض، حق اعتراض از دولت معترض سلب می‌شود (جلالی، ۱۳۸۳: صص ۶۸-۷۱).

اجرای روش کنوانسیون موجب نسبی شدن و تجزیه تمامیت و یکپارچگی معاهده می‌گردد، زیرا کشوری که شرطی را اعلام می‌کند می‌تواند در مقابل کشور

«الف» به عضویت عهدنامه درآید، ولی در مقابل کشور «ب» نمی‌تواند، چون کشور «ب» به آن شرط ایراد وارد کرده است، هر چند که کشورهای «الف» و «ب» در روابط و مناسبات متقابل خود وابسته به عهدنامه می‌باشند. در واقع در زیر چتر یک معاهده چند جانبه، چند توافق مجزا به وجود می‌آید.

ماده ۲۸ کنوانسیون ۱۹۷۹ نیز اعلام حق شرط را در صورتی که مغایر با هدف و موضوع معاهده نباشد مجاز دانسته و ارزیابی این معیار را به کشورهای متعاهد واگذار نموده است بنابراین مقررات کنوانسیون ۱۹۶۹ بر «کنوانسیون منع تبعیض» مجری می‌باشد. در نتیجه در مورد کنوانسیون اخیر، این نگرانی وجود دارد که آیا اختلاف نظر کشورها در مورد حق شرطها و اعتراضات نسبت به آنها موجب انحلال معاهده به چند معاهده می‌شود؟ ظاهراً این وضعیت در مورد کنوانسیون رفع تبعیض علیه زن بوجود نیامده است، زیرا تمامی کشورهای معترض، کشور وارد کننده شرط را به عنوان طرف معاهده تلقی کرده‌اند، به طوریکه تمامیت و یکپارچگی معاهده در تمام موارد باقی مانده است. گرچه اختلاف و تشتت در آراء و عقاید متعاهدین بوجود آمده است. این شکاف خصوصاً بین دیدگاههای کشورهای اسلامی که نسبت به پاره‌ای از مقررات معاهده به دلیل مغایرت با شرع اسلام اعلام شرط نموده‌اند و سایر کشورها، خصوصاً کشورهای غربی بوجود آمده است (داور، ۱۳۷۵: ۱۲۹-۱۲۸).

در اینجا این سوال مطرح می‌شود که آیا این تجزیه و تشتت مخرب است؟ در پاسخ نمی‌توان گفت که این تجزیه مشکل آفرین باشد، زیرا این سیستم منعطف، الحاق داوطلبانه کشورها را به معیارها و قواعد مشترک جهانی تسهیل و تشویق نموده، که این امر مطمئناً به حفظ نظم جهانی کمک می‌کند. در حالیکه سیستم قاعده قبول بالاتفاق موجب می‌شود که حتی اگر یک کشور معترض وجود داشته باشد، این کشور با رأی خود دارای «حق و تو» می‌شود. چنانچه در مورد «کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان»، به علت اعتراض فقط سه کشور، حدود سیزده کشور شرط گذار نمی‌توانستند عضو معاهده گردند. یعنی اگر سیستم قاعده قبول بالاتفاق مجری می‌شد ۳ کشور می‌توانستند از ورود ۱۳ کشور به معاهده جلوگیری کنند. بنابراین پذیرش این سیستم

منعطف از طرف کنوانسیون رفع هر گونه تبعیض موجب تسهیل الحاق عضویت کشورها به کنوانسیون گردیده است. (Multilateral Treaties, 1993:31)

#### ۴-۲- نحوه پیوستن کشورها به کنوانسیون و مسأله حق شرط

کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان، یک معاهده بین المللی است، دولت‌هایی که می‌خواهند به آن بپیوندند باید آن را به تصویب مراجع ذی صلاح قانونی خود برسانند (بند ۲ ماده ۲۵) و وقتی تصویب کردند همچون دیگر معاهدات بین المللی ملزم و تعهد به عمل کردن به مقررات آن هستند. وقتی یک کنوانسیون بین المللی تدوین و پذیرفته شد و برای امضاء و الحاق دولت‌ها مفتوح شد، دولت‌هایی که می‌خواهند به آن ملحق شوند نمی‌توانند در مواد آن تغییری ایجاد نمایند و در مجالس مقتنۀ خود مواد یا مفاد آن را اصلاح کنند. دولت‌ها یا باید آن را بپذیرند یا به آن ملحق نشوند. چنانچه در کنوانسیون منع نشده باشد، دولت‌ها می‌توانند در هنگام پیوستن به کنوانسیون، در موقع امضاء، تصویب یا الحاق اعلام کنند که به برخی از مواد کنوانسیون متعهد نیستند و خود را ملزم به اجرای آن ندانسته و یا مثلاً قانون داخلی خویش را بر آن مقدم می‌دارند، ضمناً دولت‌ها می‌توانند اعلام کنند که برخی از مواد و عبارات کنوانسیون را با تفسیر و برداشتی که خود طبق مقررات قانونی اساسی با دیگر قوانین داخلی خویش دارند می‌پذیرند. بیان این نوع قید و شرط را حق شرط می‌نامند که به مفهوم قید، شرط، حفظ حق، یا خودداری و خلاصه به معنای عدم قبول مطلق و بدون قید و شرط است، عرب‌ها آن را به «تحفظ» تعبیر کرده‌اند که همان حفظ حق عدم التزام به مواد مورد تحفظ است.

شوق دوم که بیان و اعلام موضع در مورد برخی مواد است تحت عنوان اعلامیه (Declaration) مطرح می‌شود هر چند رقیق‌تر از «حق شرط» است ولی عملاً همان نتیجه را دارد. در واقع دولت‌هایی که بدین نحو، کنوانسیون را می‌پذیرند آن را همانند یک لایحه قانونی داخلی خود مورد حک و اصلاح قرار داده و با اصلاحات به عمل آمده تصویب می‌نمایند (یعنی نتیجه کارشان چنین است). از نقطه نظر میزان پایبندی و تعهد به اجرای مفاد کنوانسیون بین المللی، تعهد اینگونه دولت‌ها محدود به

مواد و بندهایی است که بدون قید و شرط آن را پذیرفته‌اند. علی‌الاصول، دولت‌ها هنگام الحاق به یک کنوانسیون بین‌المللی می‌توانند آن را با شرط و محدود پذیرند و کنوانسیون ۱۹۶۱ وین راجع به حقوق معاهدات این امر را پیش‌بینی کرده است ولی دو محدودیت عمده وجود دارد، اولاً، در خود معاهده صریحاً حق شرط منع نشده باشد؛ ثانیاً، شرط با هدف و منظور اصلی معاهده مغایرت نداشته باشد.

بر اساس معاهده وین شرطی را می‌توان در هنگام تصویب گذاشت که مخالف مقتضای ذات عقد (کنوانسیون و معاهده) نباشد و همین‌طور که در حقوق خصوصی شرط مخالف مقتضای ذات عقد را، باطل و مبطل عقد می‌دانیم (ماده ۲۲۲ قانون مدنی)، در اینجا نیز قرار دادن چنین شرطی هم باطل است و هم در واقع اصل الحاق به کنوانسیون را بی اعتبار می‌کند.

همان‌طور که در تبیین مفهوم خلاف مقتضای ذات عقد و بخصوص تطبیق مصادیق بر آن اتفاق نظر وجود ندارد، در اینجا هم اختلاف نظر شدید است. در حالی که برخی از دولت‌ها شروطی می‌گذارند و از آن دفاع می‌کنند و حق خود می‌دانند، برخی از دولت‌ها شدیداً اعتراض می‌کنند و آنها را مغایر هدف و مفهوم معاهده می‌دانند و نظر بر بطلان آن دارند. چنانچه در همین کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان بخصوص مشاهده خواهیم کرد و تاکنون هم یک رویه مشخص و ضابطه روشنی به دست نیامده است (مهدی رئیس، ۱۳۸۲: ۱۹-۱۷).

به هر حال در کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان، استفاده از حق شرط نه تنها ممنوع نشده است، بلکه مفاد بند یک از ماده ۲۸ کنوانسیون حاکی از مجاز تلقی شدن چنین حقی است. (ناصر زاده، ۱۳۷۲: ۷۲). اما در بند دوم از همان ماده نیز قید شده است که تحفظاتی که با هدف و منظور این کنوانسیون سازگار نباشد، پذیرفته نخواهد شد.

با وجود این تصریح، کشورهای بسیاری درباره مواد گوناگون از حق شرط استفاده کرده‌اند<sup>۱۲</sup>. چنان‌که در سال ۱۹۹۴، مجمع عمومی از استفاده فراوان از حق مزبور توسط کشورهای طرف کنوانسیون احساس نگرانی کرده، خواهان تجدید نظر

۱۲- جهت کسب اطلاعات بیشتر در مورد «حق شرط کشورها درباره مواد کنوانسیون ۱۹۷۹» ر.ک. مهدی رئیس، کنوانسیون زنان، ۱۳۸۲: صص ۲۲-۱۹.



کشورها در حق شرطهای مورد استفاده شده است. در این خصوص تا ۱۵ مارس ۱۹۹۶ از مجموع ۱۸۵ کشور عضو ملل متحد ۱۵۲ کشور به این کنوانسیون پیوستند. از این تعداد ۲۷ کشور با شرط کنوانسیون را پذیرفته‌اند که پاره‌ای از آنها شرط ماهوی و به حسب ظاهر در تضاد آشکار باهدف و منظور کنوانسیون است، ولی تاکنون مرجع صالحی که تشخیص او معتبر و لازم‌الاجرا باشد، تعیین نشده است. گرچه کمیته رفع تبعیض به دول عضو توصیه کرده و آنها را تشویق به استرداد خود نموده است، اما صلاحیت کمیته در این زمینه قاطع و تعیین کننده نیست و کمیته این اختیار را ندارد که درباره مطابقت یا تضاد حق شرط ها با مفاد کنوانسیون و هدف و منظور آن تصمیم گیری کند (Geneva, 1994:32).

در این زمینه کنفرانس حقوق بشر وین ۱۹۹۳ با تشویق همه دولت‌ها به تصویب جهانی و فراگیر کنوانسیون از آن قویاً خواسته است که شروط و قیودی را که با هدف و منظور معاهده در تعارض است، پس بگیرند. در خصوص حق شرط های استفاده شده، بیشترین حق شرط ها به نقش دیوان بین‌المللی دادگستری در زمینه حل و فصل اختلافات اختصاص دارد که در ماده ۲۹ کنوانسیون آمده و بر اساس آن هر گونه اختلاف در تفسیر یا اجرای بین دو دولت یا اعضای بیشتر (که از طریق مذاکره حل نگردد) بنا به تقاضای یکی از طرفین به داوری ارجاع می‌گردد و اگر ظرف مدت شش ماه از تاریخ درخواست تشکیل داوری، طرفین درباره تشکیل آن به توافق نرسیند، یکی از طرفین می‌تواند در خواست نماید تا موضوع به دیوان دادگستری بین المللی مطابق با اساسنامه دیوان ارجاع گردد که هر دولت حق دارد هنگام تصویب یا الحاق به کنوانسیون با استفاده از حق شرط خود را مقید به این امر نداند. مسأله دیگری که مورد حق شرط های فراوان قرار گرفته، ماده ۱۶ کنوانسیون در خصوص رفع تبعیض علیه زنان در مسائل مربوط به امور خانوادگی از قبیل ازدواج، طلاق، حضانت فرزندان، حقوق شخصی، مالکیت، مدیریت، سرپرستی، بهره‌برداری و در اختیار داشتن اموال است. دیگر مواد مورد تحفظ عبارتند از: ۸، ۲، ۷، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳ (توحیدی، ۱۳۸۲: ۱۱-۱۲).

## ۵- بررسی مفاد کنوانسیون ۱۹۷۹

### ۵-۱- تبعیض

ماده اول از بخش یکم کنوانسیون، تبعیض علیه زنان را اینگونه معرفی کرده است: عبارت «تبعیض علیه زنان» در این کنوانسیون به هرگونه تمایز، استثناء (محرومیت) یا محدودیت بر اساس جنسیت که نتیجه یا هدف آن خدشه‌دار کردن یا لغو شناسایی، بهره‌مندی، یا اعمال حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی و یا هر زمینه دیگر توسط زنان صرف نظر از وضعیت زناشویی ایشان و بر اساس تساوی میان زنان و مردان، اطلاق می‌گردد. در یک کلام منظور این ماده این است که هر گونه قانون، تصمیم، رویه عملی، فرهنگ و سنت رایج که بر شناسایی و استفاده و اعمال حقوق مساوی زن با مرد در تمام زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و غیره لطمه وارد آورد و زن را به لحاظ زن بودن از این حقوق مساوی محروم کند، تبعیض محسوب می‌شود. در برخی از مواد کنوانسیون مصادیق و مواردی از تبعیض که دولت‌ها ملزم به رفع آنها و برقراری مساوات بین زنان و مردان در آن زمینه‌ها شده اند بیان شده است (مرتضوی، ۱۳۸۲: ۴۱-۳۴).

### ۵-۲- تعهدات دولت‌های عضو

ماده ۲ کنوانسیون به طور کلی و عمومی تعهدات و الزاماتی را که دولت‌ها با پیوستن به کنوانسیون متقبل می‌گردند به این شرح بیان نموده که در ابتدای ماده مذکور آمده: «دولت‌های عضو، تبعیض علیه زنان را در کلیه اشکال آن محکوم کرده، موافقت می‌نمایند که بدون درنگ، سیاست محو تبعیض علیه زنان را با کلیه ابزارهای مناسب دنبال نموده و با این هدف موارد زیر را متعهد می‌شوند:

الف: گنجاندن اصل مساوات میان زنان و مردان در قانون اساسی یا سایر قوانین هر کشور چنانچه تا کنون منظور شده باشد و تضمین و تحقق عملی با این اصل بوسیله وضع قانون یا سایر طرق مناسب دیگر؛

ب: تصویب قوانین مناسب و یا اقدامات دیگر از جمله مجازات در صورت اقتضاء به منظور ممنوع کردن تبعیض علیه زنان؛

ج: برقراری حمایت قانونی از حقوق زنان بر مبنای برابر با مردان و حصول اطمینان از حمایت موثر از زنان در مقابل هرگونه اقدام تبعیض آمیز از طریق مراجع قضایی ذی صلاح ملی و سایر موسسات دولتی؛

د: خودداری از انجام هرگونه عمل و حرکت تبعیض آمیز علیه زنان و تضمین رعایت این تعهدات توسط مراجع و موسسات دولتی؛

ذ: اتخاذ کلیه اقدامات مناسب جهت محو تبعیض علیه زنان توسط هر شخص، سازمان یا شرکت‌های خصوصی؛

و: اتخاذ تدابیر لازم از جمله وضع قوانین به منظور اصلاح یا فسخ قوانین، مقررات، عرف یا روش‌های موجود که علیه زنان می‌باشند. و بالاخره آخرین قسمت از ماده ۲ دولت‌های عضو را به «فسخ کلیه مقررات کیفری ملی که تبعیضات علیه زنان را موجب می‌شوند» ملزم کرده است.

ماده ۵ کنوانسیون وظیفه دشواری را بر عهده دولت‌های عضو می‌گذارد و آن اینکه در جهت تأمین تساوی حقوق زن و مرد حتی رفتارهای اجتماعی و الگوهای فرهنگی جامعه خود را نیز تغییر داده و اصلاح کنند.

قسمت «الف» ماده یاد شده اشعار می‌دارد: «تعدیل الگوهای اجتماعی، فرهنگی و رفتاری مردان و زنان به منظور از میان برداشتن تعصبات و کلیه روش‌های سنتی و غیره که بر تفکر پست‌نگری یا برترنگری هر یک از دو جنس و یا تداوم نقش‌های کلیشه‌ای برای مردان و زنان استوار می‌باشد.» و قسمت «ب» ماده ۵ مقرر می‌دارد: «حصول اطمینان، از اینکه آموزش خانواده شامل درک صحیح از وضعیت مادری به عنوان یک وظیفه‌ی اجتماعی و شناسایی مسئولیت مشترک زنان و مردان در پرورش و تربیت کودکان خود (با این استنباط که منافع کودکان در تمام موارد در اولویت قرار دارد) باشد».

ماده ۶ کنوانسیون هم در مقام بیان یکی از تعهدات دولت‌های عوض به مسأله‌ی مبتلا به استثمار زنان و بهره‌برداری غیرمعقول و غیرقانونی از آنها پرداخته

می‌گوید: «دولت‌های عضو کلیه اقدامات مقتضی از جمله وضع قوانین را به منظور جلوگیری از حمل و نقل غیرقانونی زنان، استثمار و بهره‌برداری جنسی (روسیگری)<sup>۱۲</sup> از آنها، به عمل خواهند آورد».

### ۵-۳- تساوی در زندگی سیاسی و عمومی در سطح ملی

طبق ماده ۷ «دولت‌های عضو کنوانسیون موظف هستند اقدامات مقتضی برای رفع تبعیض علیه زنان در زندگی سیاسی و عمومی کشور، اتخاذ نموده و مخصوصاً اطمینان دهند که در شرایط مساوی با مردان، حقوق زیر را برای زنان تأمین کنند:

الف: حق رأی دادن در همه انتخابات و همه‌پرسی‌های عمومی و صلاحیت انتخاب شدن در همه ارگان‌هایی که با انتخابات عمومی برگزیده می‌شوند.

ب: حق شرکت در تعیین سیاست دولت و اجرای آنها و به عهده گرفتن سیستم‌های دولتی و انجام وظایف عمومی در تمام سطوح دولتی.

ج: حق شرکت در سازمان‌ها و انجمن‌های غیردولتی مربوط به زندگی عمومی و سیاسی کشور».

### ۵-۴- تساوی در زندگی عمومی و سیاسی در سطح بین‌المللی

ماده ۸ مقرر می‌دارد: دولت‌های عضو باید اقدامات مناسب و مقتضی برای اطمینان و تضمین این امر فراهم آورند که زنان در شرایط مساوی با مردان و بدون هیچ‌گونه تبعیض بتوانند نمایندگی دولت خود را در سطح بین‌المللی احراز کنند و در کارهای سازمان‌های بین‌المللی مشارکت داشته باشند.

### ۵-۵- تساوی در حقوق مربوط به تابعیت

طبق ماده ۹ کنوانسیون، دولت‌های عضو، به زنان حقوق مساوی با مردان در زمینه کسب، تغییر و یا حفظ تابعیت می‌دهند. مخصوصاً دولت‌ها باید اطمینان دهند و تضمین کنند که نه ازدواج با یک مرد خارجی و نه تغییر تابعیت شوهر در طی دوران



ازدواج، خود به خود موجب تغییر تابعیت زن، بی‌تابعیت شدن او یا تحمیل تابعیت شوهر بر او نمی‌شوند. دولت‌های متعهد در رابطه با تابعیت زن به کودکان، حق مساوی با مرد اعطا می‌کند. اعمال و اجرای این ماده بخصوص بند ۲ آن در عمل مشکلاتی را بوجود می‌آورد و تعیین تابعیت کودک را در برخی موارد که پدر و مادر تابعیت مختلف دارند دچار اشکال می‌نماید به همین علت کشورهای زیادی بر این ماده حق شرط قائل شده‌اند (مهدی رئیس، ۱۳۸۲: ۲۵-۲۴).

### ۵-۶- تساوی در آموزش

ماده ۱۰ کنوانسیون به نحو مبسوط به مسأله تساوی زن در برخورداری از آموزش و بهره‌مندی از امکانات آموزشی پرداخته و اعلام می‌دارد که دولت‌های عضو تمام اقدامات لازم برای رفع هرگونه تبعیض علیه زنان و تضمین حقوق مساوی آنان با مردان در زمینه آموزش مخصوصاً در شرایط مساوی و برای آموزش‌های شغلی و حرفه‌ای، دسترسی به تحصیل، اخذ مدرک از موسسات آموزش، امکان دسترسی به امکانات آموزش و تحصیلی، اعطای بورس و دیگر موارد موجود در ماده را اتخاذ کنند.

### ۵-۷- تساوی در اشتغال و حقوق

مسأله تساوی حقوق زن و مرد در امور مربوط به اشتغال همواره مورد بحث و توجه بوده و در اسناد گوناگونی از جمله مقررات سازمان بین‌المللی کار به این امر عنایت لازم مبذول شده است. ماده ۱۱ کنوانسیون بطور شروع ابعاد مسأله را مورد بررسی قرار داده و مقرر می‌دارد که: «دولت‌های عضو باید اقدامات مقتضی را برای رفع تبعیض علیه زنان در زمینه اشتغال انجام دهند و اطمینان دهند که بر مبنای تساوی مردان و زنان حقوق یکسان در حق کار، حق امکانات شغلی یکسان، حق انتخاب آزادانه حرفه و شغل، حق دریافت مزد مساوی، حق برخورداری از تأمین اجتماعی و دیگر موارد مانند حق برخورداری از مراقبت بهداشتی و امنیت شرایط کار را رعایت کنند.» همچنین برای جلوگیری از تبعیض علیه زنان به جهت ازدواج، یا بارداری و تضمین حق مسلم آنان برای کار دولتها عضو باید اقدامات مناسب منجمله ممنوعیت اخراج به خاطر

حاملگی یا مرخصی زایمان، دادن مرخصی دوران زایمان با پرداخت حقوق یا مزایای اجتماعی مناسب بدون از دست رفتن شغل و حمایت ویژه از زنان در دوران بارداری در مشاغلی زیان آور را انجام دهند.

البته خاطر نشان می‌شود که قوانین حمایتی در رابطه با موضوعات مطروحه در این ماده به طور متناوب در پرتو پیشرفتهای علمی و تکنیکی مورد بازنگری قرار می‌گیرند و در صورت ضرورت، اصلاح، لغو یا تمدید می‌شوند.

#### ۵-۸- تساوی در دستیابی به تسهیلات بهداشتی

ماده ۱۲ در این خصوص اشعار می‌دارد:

- ۱- دولت‌های عضو باید اقدامات لازم را برای محو تبعیض علیه زنان در زمینه مراقبت‌های بهداشتی به عمل آورند و بر اساس تساوی بین زن و مرد دسترسی به خدمات بهداشتی از جمله خدمات بهداشتی مربوط به تنظیم خانواده را تضمین کنند؛
- ۲- دولت‌های عضو علاوه بر مقررات بند ۱ این ماده خدمات لازم را برای زنان در دوران بارداری، زایمان و دوران پس از زایمان تأمین نموده در صورت لزوم خدمات رایگان در اختیار آنها قرار خواهند داد و همچنین در دوران بارداری و شیردهی تغذیه کافی به آنها خواهند رساند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

#### ۵-۹- امنیت اقتصادی و اجتماعی

طبق ماده ۱۳ کنوانسیون، دولت‌های عضو باید اقدامات مقتضی برای محو تبعیض علیه زنان در دیگر زمینه‌های زندگی اقتصادی و اجتماعی به عمل آورند و بر مبنای تساوی زن و مرد حقوق یکسان را برای آنها مخصوصاً در موارد ذیل تأمین کنند:

الف: حق استفاده از مزایای خانوادگی؛

ب: حق استفاده از وام‌های بانکی، رهن و دیگر اعتبارات بانکی؛

ج: حق شرکت در فعالیت‌های تفریحی، ورزشی، فرهنگی و کلیه‌ی جنبه‌های

زندگی.

ماده‌ی ۱۴ نیز توجه خاصی به وضعیت زنان در همین زمینه مطرح شده دارد، البته در مورد زنان مناطق روستایی.

### ۵-۱۰- تساوی در مسایل قانونی و مدنی

ماده ۱۵ کنوانسیون در این زمینه مقرر می‌دارد:

۱- دولت‌های عضو، تساوی زنان را با مردان در برابر قانون می‌پذیرند؛  
۲- دولت‌های عضو، در امور مدنی، همان اهلیت قانونی را که مردان دارند به زنان می‌دهند، وامکانات مساوی برای اجرای این اهلیت را در اختیار آنها قرار می‌دهند. مخصوصاً دولت‌های عضو به زنان حقوق مساوی با مردان در انعقاد قرارداد اداره اموال می‌دهند و در تمام مراحل دادرسی در دادگاهها و محاکم با آنها رفتار یکسان خواهند داشت؛

۳- دولت‌های عضو قبول می‌کنند که هرگونه قرارداد یا اسناد خصوصی دیگر از هر نوع که به منظور محدود کردن صلاحیت قانونی زنان شده باشد باطل و بلا اثر تلقی شوند؛

۴- دولت‌های عضو می‌پذیرند که در رابطه با قانون و منشأ درآمد اشخاص و انتخاب مسکن و محل اقامت، زن و مرد از حق مساوی برخوردار باشند (مهدی رئیس، ۱۳۸۲: ۲۶-۲۹).

ارتباط هر شخص با محیط اطراف خود، محلی که در آن زندگی می‌کند، یا به کسب و کاری اشتغال دارد، تحت عنوان اقامتگاه مورد بررسی قرار می‌گیرد. در واقع هر شخصی از نظر حقوق بستگی به محلی دارد که در آنجا سکونت دارد و خانواده، شغل و منافع او در آنجا یافت می‌گردد. این وضعیت در حقوق، «اقامت» نامیده می‌شود و حقوق مدنی برای هر فردی محل اقامت مخصوص تعیین می‌کند که محل اقامت قانونی او است، حتی اگر شخص مزبور در حقیقت و عملاً در آن محل نباشد. گرچه بین اقامتگاه در حقوق داخلی و حقوق بین المللی تفاوت بسیار است اما معمولاً تعریف تقریباً مشابهی از اقامتگاه در سطح داخلی و بین المللی می‌شود. اغلب قوانین به یک تعریف کلی اقامتگاه اکتفا کرده‌اند، چه این اقامتگاه داخلی باشد و چه بین المللی،

بنابراین از نظر قانونگذار هر کشور، هر شخصی که مشمول تعریف مندرج در آن قانون باشد، مقیم آن کشور محسوب می‌شود، اعم از اینکه تبعه آن کشور باشد یا نباشد. اما در مورد «اقامت» زنان متأهل، روابط زن و شوهر حکم می‌کند که دارای محل سکونت مشترک و محل اقامت مشترکی داشته باشند. در کشورهایی که معتقد به حفظ وحدت خانواده می‌باشند، مثل ایران زنان در مورد اقامتگاه نیز همانند تابعیت از همسران شان تبعیت می‌کنند (ارفع نیا، ۱۳۷۸ : ۱۷۰-۱۴۷).

#### ۵-۱۱- تساوی در حقوق خانواده

ماده ۱۶ در بردارنده موضوع با اهمیت و قابل ملاحظه‌ای است و بیان می‌دارد که دولتهای عضو باید اقدامات لازم را برای دفع تبعیض علیه زنان در همه امور مربوطه به ازدواج و روابط خانوادگی بعمل آورند که شامل مواردی منجمله حق یکسان برای انعقاد ازدواج، حق یکسان برای انتخاب آزادانه همسر، حقوق و مسئولیت یکسان برای تصمیم‌گیری آزادانه و مسئولانه در زمینه تعداد فرزندان و رابطه با ولایت، حضانت و قیمیت کودکان و دیگر مسایل است. البته ماده مذکور در بند ۲ مقرر می‌دارد: «که نامزد کردن و ترویج کودک، قانوناً بلااثر خواهد بود و هر گونه اقدام لازم، از جمله وضع قانون جهت تعیین حداقل سن برای ازدواج و ثبت ازدواج در یک دفترخانه رسمی باید اتخاذ شود».

#### ۵-۱۲- به مرحله اجرا در آمدن کنوانسیون و الحاق به آن

ماده ۲۵ در خصوص الحاق به کنوانسیون می‌باشد. بر اساس ماده ۲۶ دولتهای عضو می‌توانند در هر زمان طی نامه‌ای خطاب به دبیر کل سازمان ملل متحد درخواست تجدید نظر در کنوانسیون را بنمایند و مجمع عمومی سازمان ملل متحد در مورد اقدامات احتمالی بعدی در مورد چنین درخواستی تصمیم خواهد گرفت.

در کنوانسیون مرجعی برای تفسیر مواد آن پیش‌بینی شده است. ماده ۲۹ کنوانسیون روش خاصی را برای حل اختلافات کشورهای عضو در تفسیر مواد کنوانسیون پیش‌بینی کرده که ممکن است به تعیین مرجعی برای تفسیر مواد

کنوانسیون و احتمالاً تشخیص مغایرت شرط‌های اعلام شده از سوی دولت‌ها با هدف و منظور کنوانسیون منجر می‌شود.

### ۶- ایرادات و نقایص کنوانسیون ۱۹۷۹

با وجودی که تا کنون بیش از ۹۰٪ اعضای سازمان ملل متحد به این کنوانسیون پیوسته اند ولی در مقایسه با کنوانسیون‌های دیگر راجع به حقوق بشر، کنوانسیون مزبور از ضمانت اجراهای ضعیف‌تری برخوردار است. صرف‌نظر از تعداد بسیار زیاد شروط وارد شده توسط دولت‌ها که به نوبه خود به ضعف کنوانسیون دامن زده است، سه دلیل عمده تاکنون سبب عدم موفقیت آرمان‌های کنوانسیون بوده است: اول، ضعف در سیستم نظارتی کنوانسیون، دوم، مکانیسم‌های اجرائی ناکافی و سوم، مشکلات ناشی از نحوه تنظیم متن کنوانسیون که بیشتر به منظور جلب تعداد زیادتری از کشورها تنظیم گردیده است. برخی از نویسندگان معتقدند که جهت اجرای موثرتر کنوانسیون راه‌های ذیل باید دنبال گردد: با توجه به وظایف سنگین پیش بینی شده در ماده ۲۱ برای کمیته رفع تبعیضات علیه زنان، به نظر می‌رسد ماده ۲۰ که مقرر می‌دارد این کمیته به طور عادی در سال بیش از دو هفته جلسه رسیدگی برای بررسی گزارش‌های رسیده بر اساس ماده ۱۸ نخواهد داشت مشکل ساز است. طراحان ماده از دید اقتصادی جهت جلوگیری از هزینه بیشتر این محدودیت را گذاشته‌اند در حالی که فی‌الواقع وقت زیادتری جهت بررسی وضعیت حقوق زنان و گزارش به مجمع عمومی نیاز است. شاید بتوان این محدودیت را از طریق تفسیر موسع کلمه «عادی» از بین برد تا کمیته با جلسات فوق العاده خود وظایف خویش را نسبت به منبع تبعیض جنسی بهتر و سریعتر انجام دهد.<sup>۱۴</sup> همچنین این کمیته منابع کافی برای انجام وظایف خطیر خود را در اختیار ندارد. دبیرخانه مستقل، آژانسهای تخصصی، و منابع مالی بیشتر نقش موثری در اجرای وظایف کمیته بر اساس کنوانسیون خواهد داشت. در سیستم سازمان ملل متحد کمیسیون حقوق بشر در مقایسه با کمیته موصوف از قدرت بالاتری

۱۴- نگاه کنید به Human Rights: Discrimination Against Women: The Convention and the Committee, Fact Sheet No. 22 که از طرف کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل به چاپ رسیده است.

در استماع و تعقیب موارد نقض حقوق بشر برخوردار است، از تعداد پرسنل و بودجه بیشتری بهره‌مند بوده و مکانیسم‌های بهتری برای اجرای تصمیماتش وجود دارد (جلالی، ۱۳۸۳: ص ۵۹).

مشکل دوم این است که گرچه در سالهای اخیر وضعیت بهتر شده است ولی هنوز برنامه حمایت از حقوق زن نسبت به سایر مراکز حمایت از حقوق بشر در سازمان ملل متحد در حالت انزوا قرار دارد. این شاید به دلیل وضعیت جغرافیایی محل فعالیت کمیته باشد. ژنو به عنوان یک پایگاه اصلی کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد و حقوق بشر به طور کلی است در حالی که کمیته رفع تبعیض در وین مستقر است و پاره‌ای از جلسات خود را در آمریکا تشکیل می‌دهد. تغییر محل جغرافیایی نیز می‌تواند تا حدودی مسئله تبعیض جنسی و مبارزه با آن را به مرکز برنامه‌های سازمان ملل بیاورد و زمینه همکاریهای بیشتر کمیته را با کمیسیون حقوق بشر فراهم سازد.

در حالی که این کنوانسیون مسائلی چون عدم تبعیض جنسی را مورد بررسی قرار می‌دهد یکی از نواقص آن این است که هیچ‌کجا بصورت مستقیم به خشونت علیه زنان نمی‌پردازد. همچنین این سند نیز مانند خیلی دیگر از اسناد بین‌المللی از محدودیت‌های مربوط به ضعف در ضمانت اجرا رنج می‌برد.

در اینجا ذکر این نکته لازم است که ضعف اساسی دیگر در کنوانسیون این بود که برخلاف میثاق حقوقی مدنی و سیاسی که در پروتکل اختیاری آن و برخلاف کنوانسیون رفع هر گونه تبعیض نژادی (ماده ۱۴) و کنوانسیون منع شکنجه (ماده ۲۲) که به افراد اجازه طرح دعوا علیه دولت داده شده است چنین امری در زمینه حمایت از عدم تبعیض جنسی وجود نداشت. لذا تصویب یک پروتکل اختیاری و برقراری سیستمی که به افراد نیز مجوز اقامه دعوی علیه دولت خود را بدهد کمک شایانی به اجرای مفاد کنوانسیون می‌نمود. این خلاء حقوقی با تصویب قطعنامه شماره A/54/4 مورخ ۶ اکتبر ۱۹۹۹ که از تاریخ ۲۲ دسامبر ۲۰۰۰ لازم الاجرا شده است مرتفع شد.<sup>۱۵</sup>



بالاخره سوال مهمی که باید پاسخ داده شود این است که اگر تمایز بین زن و مرد به شکل مثبت یعنی به صورت اعطای حقی خاص به زنان به منظور ارتقای وضعیت آنها باشد آیا این خود تبعیض محسوب می‌گردد یا نه؟ به عبارت دیگر آیا منظور از تبعیض، مطلق تبعیض است یا فقط تبعیض علیه زن؟ این امر به این جهت مهم است که حقوق مردان نیز در بسیاری از کشورهای جهان نقض می‌گردد ولی باید بیاد داشت که نقض حقوق آنان بخاطر جنس آنها نیست در حالی که نقض حقوق زنان، در میان دلایلی چون تعلق به قوم یا اقلیتی خاص، بخاطر جنسیت<sup>۱۱</sup> آنان است. در کنوانسیون صریحاً تفاوتی بین «تبعیض مثبت» و «تبعیض منفی» صورت نگرفته است. با این حال ماده ۴ آن اتخاذ تدابیر موقتی خاص توسط دولتهای عضو را که به منظور تسریع در برقراری تساوی حقوق زن و مرد صورت می‌گیرد، تبعیض مورد نظر کنوانسیون نمی‌داند اما تصریح می‌کند که تدابیر مذکور نباید به هیچ وجه سبب ایجاد استانداردهای نابرابر و جداگانه شده و هنگامیکه اهداف مربوط به ایجاد فرصت و رفتار مساوی تحصیل گردید این تدابیر موقتی نباید دیگر ادامه یابند (جلالی، ۱۳۸۳: ص ۶۱).

## ۷- نحوه‌ی نظارت بر اجرای مفاد کنوانسیون

### ۷-۱- کمیته رفع تبعیض علیه زنان

به منظور نظارت بر اجرا و بررسی پیشرفت‌های ایجاد شده در روند اجرای کنوانسیون، بر اساس ماده ۱۷ کنوانسیون، کمیته‌ی رفع تبعیض علیه زنان به وجود آمد. اعضای کمیته در ۱۶ آوریل ۱۹۸۲ توسط کشورهای عضو کنوانسیون در اولین اجلاس خود انتخاب شدند و اولین جلسه‌ی کمیته از ۱۸ تا ۲۲ اکتبر ۱۹۸۲ در وین برگزار شد (توحیدی، ۱۳۸۲: ۱۲-۱۱).

البته شایان ذکر است کمیته، سالانه دو جلسه داشته که گزارشهای ملی اعضاء را مورد بررسی قرار می‌دهد و همچنین کشورهای عضو کنوانسیون موظفند هر چهار سال، یک گزارش به کمیته ارائه دهند. دوازدهمین اجلاس هیئت کشورهای عضو کنوانسیون

در هر سازمان ملل متحد در ۲۹ آگوست ۲۰۰۲ برگزار گردید که یکی از برنامه‌های آن انتخاب اعضای کمیته ماده ۱۷ بوده است (جلالی، ۱۳۸۳: ص ۷۸).

#### ۲-۲- ترکیب اعضای کمیته

بر اساس بند ۱ ماده ۱۷ کنوانسیون، از هنگام لازم‌الاجرا شدن کنوانسیون، کمیته، مرکب از هجده عضو بوده و پس از تصویب یا الحاق سی و پنجمین دولت به کنوانسیون، مرکب از ۲۳ کارشناس خواهد بود که اشتهار به حس اخلاق و دارا بودن صلاحیت‌های لازم در زمینه‌های مربوط به کنوانسیون، لازمه و ملاک انتخاب آنها است. این اعضا با تأیید مجمع عمومی و بر طبق شرایط تعیین شدن توسط مجمع و با در نظر گرفتن اهمیت مسئولیت‌های کمیته از سازمان ملل متحد مقررری دریافت می‌کنند و دبیر کل ملل متحد به منظور انجام دادن موثر وظایف کمیته، بر اساس کنوانسیون به تمهیدات و اقدامات لازم می‌پردازد (بندهای ۸ و ۹ ماده ۱۷ کنوانسیون). همچنین کمیته آئین نامه داخلی خود را، خود تصویب می‌کند و کارمندان مورد نیاز را برای یک دوره دو ساله انتخاب می‌کند. (United Nation's Action in the Filed of Human Right's, 1976:53)

#### ۲-۳- الزام دولت‌های عضو در گزارش به کمیته

بر اساس ماده ۱۸ کنوانسیون، همه‌ی دولت‌های عضو تعهد می‌کنند که برای بررسی و نظارت کمیته، در خصوص اقدامات قضایی و قانونی، اداری و یا دیگر اقدامات به دبیر کل گزارش دهند. این گزارش‌ها از یک سو باید حاوی پیشرفت‌هایی باشد که بر اثر اقدامات گوناگون به وجود آمده، و از دیگر سو باید در برگیرنده مسائل، موانع و مشکلاتی باشد که در روند اجرایی کنوانسیون گریبان‌گیر دولت‌ها است، و پس از آن حداقل هر چهار سال یک بار و علاوه بر آن هر زمانی که کمیته درخواست نماید، گزارش دهد. اضافه بر این طبق بند ۳۲۲، ۳۲۳ «کارپایه عمل» کنفرانس پکن ۱۹۹۵، کمیته‌ی محو تبعیض، افزون بر اجرای مفاد کنوانسیون، مشمولیت نظارت بر اجرای مفاد سند پکن را نیز برعهده دارد.



### ۷-۴- پروتکل اختیاری درباره شکایت افراد به کمیته رفع تبعیض علیه زنان

امکان حق دادخواهی و شکایات افراد به کمیته رفع تبعیض علیه زنان از طریق تهیه‌ی یک پروتکل اختیاری منظم به کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان، در کنفرانس حقوق بشر ۱۹۹۳ مطرح و توصیه شد و در اجلاس چهلیم «کمیسیون مقام زن»<sup>۱۷</sup> به این امر توجه جدی شد. امری که در مذاکرات شش ساله برای تصویب کنوانسیون، بین کمیسیون مقام زن از یک سو و کمیته سوم مجمع عمومی از سوی دیگر، به آن توجه نشده بود. با این حال در سال ۱۹۹۱، گروه کاری ویژه خشونت علیه زنان که توسط «بخش پیشرفت زنان» ملل متحد ایجاد شده بود، در پاسخ به قطعنامه‌ی شماره‌ی ۱۹۹۱/۱۸ شورای اقتصادی - اجتماعی، توصیه کرد که موضوع تهیه یک پروتکل جهت انضمام به کنوانسیون بررسی شود که به این امر در سال ۱۹۹۲ کمیته رفع تبعیض توجه شد و کمیته در پیشنهاد شماره‌ی چهار خود به کنفرانس جهانی حقوق بشر وین، مطالعه پیرامون امکان تهیه پروتکل مزبور را توصیه نمود. شورای اقتصادی - اجتماعی در قطعنامه‌ی شماره ۱۱۹۴/۷ این مسئولیت را به عهده «کمیسیون مقام زن» و «کمیته‌ی رفع تبعیض» نهاد و در همان سال یکی از گروه‌های کاری کمیته، پیش‌نویسی را در ماستریخت هلند تهیه کرد که متن آن مبنای پیشنهاد شماره‌ی هفت کمیته‌ی رفع تبعیض گردید (توحیدی، ۱۳۸۲: ۱۲-۱۱).

در سال ۱۹۹۵ «برنامه عمل» کنفرانس پکن در بند ۲۳۰ با حمایت از روند ایجاد شده برای تهیه‌ی پروتکل، (برحمایت از فرایندی که کمیسیون مقام زن مطرح ساخته است به منظور تهیه پیش‌نویس پروتکل اختیاری که می‌تواند در اسرع وقت از طریق حق دادخواهی اعتبار یابد) تأکید نمود. در پاسخ به درخواست دبیر کل مبنی بر عرضه نظرها در خصوص پروتکل اختیاری پاسخ‌ها و نظرهای فراوانی از سوی دولت‌ها و سازمان‌های غیر دولتی عرضه شد. در میان پاسخ‌ها، سه دیدگاه کلی با ویژگی‌های خاص خود وجود داشت، اما سه دیدگاه بر حمایت از پیش‌نویس پروتکل تأکید داشتند. بنابراین توصیه‌نامه‌ی شماره‌ی هفت کمیته به طور مشروع و مفصل در اجلاس چهلیم (۱۹۹۶) کمیسیون مقام زن بحث و بررسی شد و سرانجام به صدور قطعنامه‌ای در

کمیسیون مقام زن منجر شد که در آن، با استقبال از فعالیت‌های گروه کاری، از دبیر کل خواسته شده به نظرخواهی از دولت‌ها و سازمان‌ها غیردولتی در خصوص پروتکل با توجه به مفاد پیشنهاد شماره‌ی هفت کمیته و مشورت‌های گروه کاری ادامه دهد و گزارش کلی را در این خصوص به اجلاس چهل و یکم ارائه کند (Wallace, 1979:111).

این تلاش‌ها در اجلاس عمومی مجمع عمومی به تاریخ ۶ اکتبر ۱۹۹۹ به تصویب پروتکل اختیاری از سوی مجمع منجر شد. بر اساس این قطعنامه که در آن به توصیه‌ی کنفرانس حقوق بشر وین و کنفرانس پکن، به پروتکل اشاره شده است، بر تصویب و الحاق جهانی به کنوانسیون ۱۹۷۹ تأکید شده و از همه‌ی دولت‌ها خواسته شده که پروتکل را تصویب نمایند. در بند سوم قطعنامه تأکید شده است دولتی که به عضویت پروتکل در می‌آیند باید رعایت حقوق و آئین مندرج در آن را تعهد نمایند و همکاری با کمیته‌ی رفع تبعیض را در همه‌ی مراحل بر اساس آئین پروتکل بپذیرند و از دبیر کل هم می‌خواهد که مقدمات لازم را برای اجرای موثر وظایف کمیته بر اساس پروتکل، بعد از لازم الاجرا شدن آن فراهم سازد. این پروتکل دارای یک مقدمه و ۲۱ ماده است که در مقدمه تأکیدی مجدد به حقوق اساسی انسان در منشور و برابری زن و مرد و منع هر گونه نابرابری در اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر و مفاد در میثاق دارد.

#### ۸- نتیجه

مفاد کنوانسیون ۱۹۷۹ به عنوان یکی از مهمترین اسناد بین المللی حقوق بشری مورد بررسی قرار گرفت. همچنین نحوه‌ی نظارت بر عملکرد فعالیت‌های کنوانسیون و کشورهایی که تاکنون به صورت مشروط و یا بدون قید و شرط به این کنوانسیون ملحق شده‌اند نیز توضیح داده شد.

با عنایت به مطلب گفته شده می‌توان به این جمع‌بندی رسید که صرف نظر از آنچه در سال‌های متمادی در گوشه و کنار دنیا بر مردم جهان سپری شده و حقوق انسانی آنان زیر پا گذاشته شده است. کافی است در همین زمان حاضر که بحث مسأله‌ی حقوق بشر و رعایت همه‌جانبه‌ی آن به اوج خود رسیده است، نظری بر حوادثی که در اطراف ما می‌گذرد بیفکنیم که چگونه حقوق بشر و اعلامیه جهانی آن

مظلوم و مطرود واقع شده و به دفعات و در عرصه‌های مختلف با وقاحت تمام نقض می‌گردد و جز در نوشته‌ها و بحث‌های تشریفاتی کمیته‌ها و کمیسیون‌ها جای دیگر واقعی به آنها گذاشته نمی‌شود. برخی گزارش‌ها که از سوی ارگان‌های سازمان ملل یادگیر ارگان‌های بین‌المللی منتشر می‌شود، نشان می‌دهد که حتی حقوق اولیه انسانی به نحو وسیعی از طریق قتل و تجاوز، فحشاء، قاچاق مواد مخدر، جنگ و استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی و شیمیایی و تبعیض نژادی نقض می‌شود و این نقض، روند رو به رشد دارد. در این گزارش‌ها سخن از نوعی بردگی و خرید و فروش انسان به میان می‌آید. در گزارش ۱۹۹۲ سازمان ملل متحد آمده است که بهره‌برداری جنسی از کودکان، یک صنعت رو به رشد جهانی است که زندگی میلیون‌ها دختر و پسر در کشورهای فقیر و غنی را به خطر می‌اندازد و در عین حال، در سطح ملی و بین‌المللی، برای بررسی و کنترل این امر چندان توجهی نمی‌شود. امروزه با همه تبلیغاتی که برای ارتقای شخصیت زن و برقراری تساوی کامل حقوق مدنی و سیاسی او با مرد می‌شنویم و با وجود تصویب کنوانسیون‌های بین‌المللی و تشکیل کمیته‌ها و بحث‌های مفصل در این زمینه، گرچه استقبال گسترده کشورهای از اسناد مربوط به حقوق زنان گسترده است و اگرچه اقدامات دولت‌ها توسط نهادهایی همچون: کمیسیون مقام زن، کمیته حقوق بشر، کمیسیون حقوق بشر از طریق آئین گزارش‌دهی و الزام دولت‌ها به گزارش، نظارت و بررسی می‌شود و دولت‌ها و افراد حق دارند نقض حقوق بشر زنان را گزارش نمایند و مراجع دریافت‌کننده گزارش، اقدامات لازم در حیطه اختیارات خود را انجام می‌دهند، اما مسأله‌ی مهم نوع نگرش و تلقی کشورهای به حقوق زنان است، به طوری که زمینه‌ی یکی از مسائل مهم و مورد بحث، داد و ستد زنان و تجارت سکس است.

در جهان معاصر نوعی جدید از بردگی و بهره‌کشی از زنان، جایگزینی بردگی و ستم شده است. در نظام سرمایه‌داری، زن ابزار توسعه اقتصادی و جذب سرمایه است، نه موجود انسانی و نیازمند ارتقای فرهنگی. به همین سبب، زن در تبلیغات تجاری، فیلم‌های سینمایی و صنعت توریسم از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

## منابع

- ۱- ارفع نیا، بهشید (۱۳۷۸). حقوق بین الملل خصوصی، تهران، نشر بهتاب.
- ۲- توحیدی، احمدرضا (۱۳۸۲). «عملکرد سازمان ملل در قلمرو حقوق زنان»، ماهنامه شمیم یاس، شماره ۲.
- ۳- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۲). «عملکرد سازمان ملل در قلمرو حقوق زنان»، ماهنامه شمیم یاس، شماره ۳.
- ۴- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۲). «عملکرد سازمان ملل در قلمرو حقوق زنان»، ماهنامه شمیم یاس، شماره ۴.
- ۵- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۲). «زن و اقدامات سازمان ملل»، مجموعه مقالات و گفتگوهای کنوانسیون محور کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، قم، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
- ۶- جلالی، محمود (۱۳۸۳). «نگاهی به کنوانسیون رفع کلیه تبعیضات علیه زنان در آستانه الحاق ایران»، مجله دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان، شماره ۲، تابستان.
- ۷- داورف زهرا (۱۳۷۵). ارزیابی حقوق کنوانسیون دفع هرگونه تبعیض علیه زنان، تهران، دفتر فرهنگ و ارتباطات مردمی وزارت ارشاد.
- ۸- رئیس‌ی، مهدی (۱۳۸۲). کنوانسیون زنان، قم، وثوق.
- ۹- شایگان، فریده (۱۳۷۴). «مفهوم مطلق حقوق زن»، مجله سیاست خارجی، شماره ۲.
- ۱۰- مرتضوی، سید رضا (۱۳۸۲). «متن کامل کنوانسیون رفع اشکال تبعیض علیه زنان»، ماهنامه پیام زن، شماره ۸.
- ۱۱- ناصر زاده، هوشنگ (۱۳۷۲). اعلامیه‌های حقوق بشر، تهران، جهاد دانشگاهی.
- ۱۲- هاجری، عبدالرسول (۱۳۷۹). «اسارت‌های کهنه در طرح های نو»، فصلنامه کتاب زنان، شماره ۹.
- ۱۳- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۹). «اسارت‌های کهنه در طرح نو»، فصلنامه کتاب زنان، شماره ۱۰.
- ۱۴- ناصر زاده، هوشنگ. (۱۳۷۲). اعلامیه‌های حقوق بشر. جهاد دانشگاهی.

15- A Compilation of International Instruments.

<http://www2.unog.ch/uninster>.

16- Geneva, Human Rights, Fact sheet, No 22, November 1994.



- 17- Robert Bledsoe; International Law Dictionary, Oxford England, 1987.
- 18- ICJ Report, Reservations to the Convention on Genocide; Advisory Opinion, 1951.
- 19- Multilateral Treaties Deposited with the Secretary General, UNTS, 1993.
- 20- Schwabenberger G. International Law as applied by international Courts, London Stevens, vol.1, 1957.
- 21- United Nations Actions in the Field of Human Rights, December 1976.
- 22- Wallace, Rebeca, International Human Rights, 1997.
- 23- \_\_\_\_\_, International Law, London, 1986.

